



آهنگ های محلی

دفتر اول

ترانه های ساحل دریای مازندران

دیماه ۱۳۳۳

از انتشارات اداره موسیقی

توضیح

آهنگ های محلی هر ملتی بهترین نمونه ای از تطور روحی اوست . جمع آوری آنها خدمت بزرگی بتاریخ روحیات و زبان و موسیقی آن ملت میکند . غور در آنها بیشتر تمدن و ارتباط ملل را روشن میسازد . این کار خصوصاً در قرن بیستم علمای تاریخ و زبان را شیفته خود کرده و همت بسزا و مخارج هنگفتی برای این منظور مصروف میدارند .

اداره موسیقی از ده سال پیش بوسیله هنر آموزان سرود شهرستانها اقدام به جمع آوری آنها نمود ولی اهمیت این موضوع کاملاً درک نشد . باین جهت در دو سال اخیر باروش بهتری باز بکار پرداخت و اینک دفتر اول که دارای مقداری از آهنگ های محلی سواحل دریای مازندران (کرکان - مازندران - تنگابن - کیلان) است توسط وزارت فرهنگ بچاپ میرسد .

آقای لطف الله مبشری در جمع آوری آنها کوشش و ذوق بخرج داده و آقای روح الله خالقی معاون اداره موسیقی مقدمه ای بر آن نوشته و در تنظیم و تصحیح این ترانه ها همت کماشته اند . این جانب در اصالت آهنگ ها کمان نزدیک به یقین دارد و چون کشور ما ایران از سه هزار سال پیش مورد هجومها واقع شده و معبر طوائف و ملل مختلف بوده و نیز بهتر از هر چیز شعر و موسیقی است که خاطرات و یاد بود سوانح را نگاهداری میکند احتمال میدهم که ایران از لحاظ آهنگ های محلی از هر کشور دیگری غنی تر باشد .

امیدوار است که وزارت فرهنگ برای دنبال کردن این موضوع تشویق و مساعدتهای بیشتری نماید تا شاید آهنگ های محلی تمام نواحی ایران بتدریج در آتیه جمع آوری شده و در دسترس دوستاران هنر گذارده شود .

رئیس اداره موسیقی - علینقی وزیری

مقدمه

یکی از منابع ذی‌قیمت موسیقی هر کشور آهنگ‌ها و نغمات و ترانه‌هاییست که در نقاط مختلف آن مملکت خاصه در دهات و قصبات دور از شهر بوسیله مردم روستائی و ده نشین خوانده میشود و چون این نوع موسیقی کمتر تحت تأثیر افکار مردم شهر نشین واقع شده طبیعی‌تر و بموسیقی حقیقی و اصلی و قدیمی آن کشور بیشتر نزدیک است و جمع آوری آنها علاوه بر اینکه باعث حفظ و نگاهداری و از بین نرفتن آنهاست کمکی هم بتحقیق در باره تخصصات موسیقی آن مملکت میکنند و کیفیت و چگونگی آنرا معلوم میسازد و از مقایسه آن نغمات با آنچه در شهرها معمول و متداول است بخوبی میتوان بخواص موسیقی آن کشور پی برد.

یکی از اولین اقداماتی که اروپائیان برای درک و فهم موسیقی مملکتی میکنند جمع آوری این نوع نغمات است و بسیاری از نواسازان معروف، این آهنگ‌ها را موضوع ساختمان قطعات بزرگی که در موسیقی ایجاد کرده قرار داده‌اند ولی در ایران تا کنون بواسطه فراهم نبودن وسائل و کمی آشنائی موسیقی دانها بخط موسیقی، این کار عملی نشده است و اگر بعضی از موسیقی دانهای اهل تحقیق و تجسس اروپائی چیزی از این آهنگ‌ها را جمع کرده باشند زیاد بنوشته‌های آنها نمیتوان اطمینان یافت زیرا بواسطه عدم آشنائی بمقامات مخصوصی که در موسیقی ایران است ممکن است در ضمن نت نویسی از بعضی پرده‌ها که در موسیقی مشرق زمین پیدا میشود صرف نظر کرده و یا خواص طبیعی و نکات خاصی را که سبب تمایز موسیقی ماست خوب درک نکرده باشند. بنابراین برای آنها این کار در صورتی عملی است که اصل آهنگ‌ها را بادستگاه ضبط صوت گرد آوری نمایند ولی برای ما ایرانیان که بخوبی بمقامات موسیقی خود آشنائی داریم در صورتیکه در نوشتن آنها دقت لازم بشود البته اینکار عملی‌تر و آسان‌تر میباشد. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تا کنون چیزی از

آهنگ‌های محلی ایران اگر بوسیله موسیقی دانهای اروپائی جمع آوری شده باشد بچاپ نرسیده و اگر موسیقی دانی بایران آمده و آهنگی را که بنظر او مطبوع و دلپسند آمده نوشته باشد آنرا موضوع ساختن يك قطعه موسیقی قرار داده و البته بواسطه عملی نبودن اجرای کامل مقامات ایرانی برای آنها (بواسطه دارا بودن فواصلی که از ربع پرده تشکیل میشود) بکلی آنرا بصورت دیگر در آورده است. پس اینکار باید بوسیله موسیقی دانهای ایرانی عملی شود که بمختصات موسیقی خود آشنائی کامل دارند.

در چند سال قبل که اداره‌ای در وزارت فرهنگ بنام اداره موسیقی کشور تأسیس شد بتمام هنرآموزان سرود و موسیقی شهرستانها دستور داده شد که این آهنگ‌ها را جمع آوری کرده و اصل آنها را بدون تصرف نوشته بهران بفرستند و در این اداره پرونده‌ای ازین آهنگ‌ها پدید آمد. موقعی که به نگارنده در این اداره خدمتی ارجاع شد بمطالعه این پرونده مشغول گردید و چند نمونه ازین آهنگ‌ها را هم که در مجله موسیقی چاپ شده بود ملاحظه کرد و بخوبی دریافت که بین معلمین سرود و موسیقی شهرستانها کمتر کسی با دقت لازم این کار را انجام داده و حتی برخی از آنها ملثفت موضوع نشده بعضی از تصنیف‌ها را نیز که جزء موسیقی شهرهاست موسیقی عامیانه تصور کرده و در نوشتن آهنگ‌های محلی نیز دقت لازم را نکرده و منظوری که از این کار در نظر بوده بطوری که باید عملی نشده است. تنها در میان معلمین موسیقی نوشته‌های آقای **لطیف‌الله مبشری** که در آن موقع بهران انتقال یافته بود قابل ملاحظه بود و معلوم شد که این موسیقی دان با ذوق علاوه بر اینکه مقصود از جمع آوری آهنگ‌های محلی را خوب درک کرده در مأموریتی که در کردستان داشته مقدراری از آهنگ‌های آنجا را نیز نوشته و در طرز اجرا و نواختن آنها هم دقت کافی بکار برده است. بنابراین از طرف اداره موسیقی بوزارت فرهنگ پیشنهاد شد که برای جمع آوری این آهنگ‌ها نامبرده را مأمور نقاط ساحلی دریای مازندران کنند تا بجمع آوری این ترانه‌ها بپردازد و این شخص پس از دوبار مسافرت باین صفحات مقدراری از نغمات معمول گرگان و مازندران و تنکابن و کیلان را نوشت و ضمن گزارشی باداره موسیقی تقدیم داشت.

۵ در اسفند سال ۱۳۲۲ که اداره موسیقی در نظر گرفت ارکستری برای نواختن موسیقی ملی ترتیب دهد نگارنده در نظر گرفت نمونه‌ای چند از آهنگ های محلی را نیز برای این ارکستر تنظیم نماید و پس ازین که چند کنسرت ازین آهنگ ها در تالار های فرهنگی و سالن های عمومی و همچنین بوسیله رادیو داده شد و این آهنگ ها از طرف شنوندگان حسن قبول پذیرفت و مورد تشویق صاحبان ذوق و علاقمندان بموسیقی قرار گرفت و نتیجه آن در اغلب روزنامه های تهران منعکس شد چنین بنظر رسید که ادامه این رویه کاملاً با ذوق دوستداران موسیقی ایران بستگی کامل دارد و موجب بسط و توسعه موسیقی ایران خواهد شد . بهمین جهت نگارنده در صدد دنبال کردن این طریقه برآمد چنانکه برای کنسرت های آتیه نیز مقداری از آنها را برای ارکستر تنظیم کرده و نوازندگان ایرانی در نواختن آنها نیز کمال علاقه را بخرج میدهند ولی چون تنها نواختن آنها آنها چند ماه یک بار در کنسرتها کافی نبود درصدد برآمد که بکمک آقای لطف الله مبشری که آنها را نوشته و با آهنگ و حالت آنها کاملاً آشنائی داشت آنها را برای چاپ آماده کند بهمین جهت یادداشتهای ایشان را با نظر خودشان بدقت مورد مطالعه قرار داد و آهنگهایی را که کرد آمده بود با دقت کافی از نو نوشت تا بسبکی که برای همه قابل استفاده باشد در دفترهای متعدد بتدریج برای چاپ حاضر باشد و گزارش اینکار را بنظر استاد ارجمند آقای **علینقی وزیر** رئیس اداره موسیقی رسانید و ایشان موضوع را کاملاً قابل توجه تشخیص داده با آقای **دکتر علی فرهمندی** مدیر کل نگارش مطالب را در میان نهادند و قرار شد این اقدام **اداره موسیقی** بصورت عملی درآید و دفتر اول آهنگهای محلی از طرف **وزارت فرهنگ** چاپ شده انتشار یابد . بنابراین دفتر اول را که مربوط با آهنگهای ساحل دریای مازندران است هم اکنون در دسترس علاقمندان باین هنر میگذازد و امیدوار است دفتر دوم را با آهنگ های کردی که مقداری از آنها نوشته شده است اختصاص دهد . البته در صورتیکه این اقدام مورد قبول اهل هنر قرار گیرد و موجبات مسافرت بنقاط دیگر ایران برای کسانی که باین کار آشنائی کامل دارند فراهم شود شاید بتوان در آتیه با نوشتن آهنگهای نقاط دیگر بتدریج این کار را تکمیل کرد و این نغمات را که بهترین یادگار موسیقی ماست از دستبرد حوادث زمانه

محفوظ نگاه داشت . ۶

اکنون که سخن باین جا رسید قبل از نوشتن آهنگ ها و اشعاری که معمولاً با آنها خوانده میشود بهتر است نکات فنی آنها را نیز در این مقدمه شرح دهم تا کسانی که علاقمند بمطالعه آنها هستند با توجه باین نکات بهتر بخواس و چگونگی آنها پی برند بنا برین از دو نظر در آنها بحث میکنم : یکی از لحاظ موسیقی و دیگر از لحاظ شعر و چون بحث از جهت موسیقی بیشتر با فن نگارنده تماس دارد در آن قسمت بتفصیل مینویسد و از جهت شعر بکلیاتی اکتفا میکند و بحث مفصل این آهنگ ها را از لحاظ شعر بعهدۀ دانشمندان و شعرا و اهل تحقیق میگذازد که درین زمینه مجال بحث کافی دارند و بتفصیل میتوانند پس از تحقیق دقیق مطالب قابل توجهی برشته تحریر آورند .

بطور کلی آنچه ازین قبیل آهنگ ها تا کنون شنیده یا نت آنها را دیده ام آهنگ های محلی عبارتست از نغمات کوچکی که با اشعاری بوزن دوبیتی خوانده میشود چنانکه آهنگ های این دفتر نیز اغلب با شعر توأم است ولی گاهی نیز نغمات دیگری شنیده میشود که با شعر خوانده نمیشود و با سازهای محلی بوسیله نوازندگان نواخته میشود . درین دفتر نیز چند نمونه ازین آهنگ ها نوشته شده است و از ساختمان آنها پیداست که با شعر توأم نیست و در مجالس بزم یا عروسی با ساز نواخته میشود و با آنها یا بطور دسته جمعی و یا انفرادی میرقصند . شك نیست که ازین لحاظ نیز موسیقی های محلی برای کسانی که بفن رقص علاقه و آشنائی داشته باشند شایسته کمال دقت است که رقص این آهنگ ها با چه نوع حرکاتی توأم است و البته اشخاصیکه اهل این هنر باشند باید در موقعی که با این آهنگ ها میرقصند خود حضوراً حرکات را ببینند و وضع حرکات را یادداشت نموده آنرا جداگانه مورد بحث قرار دهند بنا براین بحث درین زمینه نیز از وظیفه نگارنده خارج است زیرا کسیکه این آهنگ ها را جمع آوری کرده چون منظورش جمع آوری نغمات از لحاظ موسیقی بوده درین قسمت دقت کافی نکرده و این کار باید بوسیله متخصص این فن صورت بگیرد .

اما از لحاظ موسیقی ، آهنگ های این دفتر را میتوان از چهار نظر مورد

ساخته میشود کاملاً بهمین سبک است و بطور کلی در موسیقی ما فاصله های متصل از فاصله های منفصل زیادتر است حتی در آهنگ هائی هم که برای نواختن روی سازها درست شده و خواننده نمیشود فواصل پیوسته بر فاصله های گسسته برتری دارد و علت اصلی این امر کمی قدرت نوازندگان و طبیعی و ساده بودن موسیقی ایرانیست که با اصطلاح اروپائی تکنیک (۱) آن کم است.

موضوع دیگر اینکه نغمه های محلی معمولاً زیبا و جذاب و در عین سادگی خوش حالت و دلکش و مطبوع است و در خواندن آنها چیزی که بیش از همه جلب توجه میکند سادگی و زیبایی آنهاست که کاملاً معرف زندگی بی آرایش و طبیعی مردم روستائیت.

۳. مقام آهنگها - مقصود از این قسمت بحث از لحاظ مقامهای (۲) مختلفی است که آهنگ های این دفتر را تشکیل میدهد. درین قسمت نیز بخوبی واضح است که این نغمه ها در پرده های مقامات متداول موسیقی ایران یعنی مایه شور (و ملحقات آن از قبیل دشتی و ابوعطا و افشاری) و سه گاهست و مایه اصفهان بندرت دیده میشود چنانکه در بین تمام این آهنگ ها فقط نمونه مایه اصفهان را میتوان در آهنگ «آی امان» و «جون جون» پیدا کرد. حتی نسبت مقام سه گاه نیز بمراتب از مقام شور کمتر است. در میان ملحقات شور نیز تناسب ابوعطا و دشتی و خصوصاً دشتی بیش از ابوعطا است و افشاری هم نادر است چنانکه نمونه کامل آن را فقط در آهنگ «سفیده مرغمه» میتوان مشاهده کرد.

بطور خلاصه میتوان گفت همانطور که مقام شور و ملحقات آن از قبیل دشتی و ابوعطا و بیات ترک ساده ترین و بازاری ترین مقامات ایران است نمونه کامل این موضوع را نیز میتوان در آهنگ های محلی ملاحظه کرد و گرنه در بین این آهنگها نمونه ای از بیات ترک دیده نمیشود ولی بعکس آن نمونه شور و خصوصاً دشتی بسیار است و اغلب ترانه هائی که در دشتی است در خاتمه وارد شور میشود.

نمونه چهار گاه فقط در آهنگ «کیلالی» دیده میشود و درین جا نیز چون از حدود دانگ اول تجاوز نمیکند میتوان آنرا در همایون و اصفهان نیز تصور کرد

(۱) Technique (۲) mode

۱۰

ولی حالت نغمه طوری است که بخوبی حالت چهار گاه را نشان میدهد.

مقام بزرگ که نمونه آن همان مقام ماهور است در میان این نغمات دیده نمیشود و گرچه یکی دو آهنگ مانند «لا کو» و «لالائی» طوری است که بنظر کسانی بمقامات ما آشنائی ندارند در مایه سل جلوه میکند ولی آنها که بموسیقی ایران آشنائی دارند بخوبی ملتفت میشوند که آهنگ «لا کو» در عشاق است و بدشتی فری میآید و آهنگ «لالائی» نیز بدشتی بیشتر نزدیک است.

اما از لحاظ تغییر مقام (۱) چون نغمه های محلی معمولاً کوچک است و مجال برای تغییر مقام ندارد کمتر نمونه ای از این عمل در آنها دیده میشود و تنها در بین تم این نغمهها آهنگ «جون جون» فوق العاده جلب توجه میکند زیرا از اصفهان شروع میشود و در خاتمه با طرز بسیار مطبوعی بشور فرود میآید. چون این نمونه تغییر مقام را در ردیف آوازهای ایرانی نیز ندیده ام خیلی تعجب کردم و حتی تردید پیدا کردم که این آهنگ، طبیعی و سازنده آن آوازه خوان یا ساززن محلی باشد ولی آقای مبشری خود متوجه این نکته شده و مخصوصاً اظهار داشتند که در موقع نوشتن هر چه دقت کرده اند بهمین طریق خوانده میشود و مطالعه این آهنگ برای آن دسته از موسیقی دانها که فقط تغییر مقام را منحصر در سبکهای معمولی میدانند بسیار جالب توجه و قابل دقت است. زیرا این نوع تغییر مقام از لحاظ موسیقی اروپائی و علاوه بر آن هم آهنگی (۲) کاملاً طبیعی و مطبوع است. گرچه تغییر مقام از اصفهان بشور در موسیقی ایرانی نیز معمول است ولی معمولاً بهنگام بالا میرود در صورتیکه درین جا با «بکار» شدن نتسل در حالت پائین آمدن بمقام شور وارد میشویم و در سبک موسیقی معمول این نوع تغییر مقام فوقانی است در صورتیکه درین جا تحتانی میباشد و سبک آنها هم با روش معمول اختلاف دارد.

۴ - جمله بندی موسیقی - چون اکثر آهنگهای محلی با اشعار دوبیتی خوانده میشود بنابراین ساختمان جمله از لحاظ موسیقی طوری است که با وزن دوبیتی متناسب باشد. معمولاً این آهنگ ها تشکیل میشود از یک نغمه کوچک که در میزان $\frac{1}{8}$ دارای سه میزان و در میزان $\frac{2}{8}$ شامل شش میزان است و گاهی برای اینکه چهار

(۱) Modulation (۲) Harmonie

میزانی (یا هشت میزانی) شود چند کلمه از قبیل جان جان - ای امن - رس -
 و غیره دنبال آن خوانده میشود و این نغمه کوچک که از لحاظ شعر عبارت است از
 يك مصراع و از لحاظ موسیقی يك عضو كوچك جمله نامیده میشود یا چهاربار تکرار
 میشود یا در دفعه سوم و چهارم تغییر مختصری پیدا میکند. در صورتیکه بوزن دوبیتی
 نباشد نیز از يك عضو جمله سه چهار میزانی تشکیل میشود که با وزن شعر، متناسب
 باشد و درین مواقع نیز با چهار مرتبه تکرار میشود یا در هر دفعه تغییر مختصری پیدا
 میکند و از لحاظ اعضای جمله بهر جهت جفت است نه طاق. بطور خلاصه میتوان گفت
 که ساده ترین طرز تر کیب «ملودی» (۱) در آنها بکار برده شده که فرا گرفتن آن
 بسیار سهل و آسان و طبیعی است.

۱۱

آهنگ هائی که شعر نداشته باشد نیز از يك نغمه کوچک (تم) (۲) تشکیل
 میشود و همان نغمه در پرده های بالا تر مختصر پرورشی پیدا میکند و کمتر اتفاق میافتد
 که تم اصلی تغییر کند یا اگر تغییر نماید میتوان باز آنرا يك نوع پرورش تم اصلی
 فرض کرد. با وجود این بعضی از آهنگ ها از دو تم مختلف تشکیل میشود مانند
 آهنگ «هی یار هی یار» و «پاچ لیلی» و «کریشیم» و «جونوی جونوی» و «زبیده» و
 «نواوی عروسی» و «ثریا» و «زیبا جان» که در آنها دو تم بکار برده شده است.
 اکنون که تا اندازه ای این آهنگ هارا از لحاظ موسیقی تجزیه کردم بی
 مناسبت نیست که بطور اختصار از لحاظ شعر نیز خصوصیات آنها را تا آنجا که مطلب
 بدرازا نکشد شرح دهم.

۱.۱. از لحاظ شعر - گرچه درین دفتر که بیشتر برای موسیقی دانها مفید
 است ذکر خصوصیات اشعار آهنگهای محلی که خود بحث جداگانه ایست باعث
 طول کلام میشود ولی نظر بارتباط کامل شعر و موسیقی درین نغمات، ذکر خصوصیات
 شعری ترانه ها بی فایده نخواهد بود و بهمین جهت از لحاظ شعر نیز از سه جهت میتوان
 درین باره مطالعه کرد:

۱- وزن شعر - چنانکه گفته شد آهنگهای محلی غالباً با اشعار دو بیتی که
 ساده ترین نوع شعر فارسی است خوانده میشود. این وزن نیز بدو طریق مختلف که

۱۲

از اختلاف رکن سوم هر مصراع پدید میآید بکار برده شده است.
 مفاعیلن مفاعیلن فعولن: دلی دارم دل دیوانه تو (مربوط باهنگ آی زهرا زهرا)
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: سفیده مرغه خوش خط و خوش خال (مربوط باهنگی بهمین نام)
 علاوه بر وزن معروف دوبیتی چند وزن عروضی دیگر نیز در اشعار این دفتر ملاحظه
 میشود از این قرار:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن: دسته دسته چو منه نامزه جان انه (در آهنگ نامزه جان)
 فاعلاتن فعولن فاعلاتن فعولن: لای لای ای گل من نوکل کلشن من (در ترانه لالائی)
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: لا لا لا لا گل لاله یلنک در کوچه میناله (در آهنگ
 مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: کیلای جانم کیلای جو جوله مجانی کیلای (در آهنگ
 مفعولن فاعولن فاعولن فاعولن: صد بار کفتم همچین مکن (در آهنگ زیبا جان).
 مفعولن مفعولن مانند خدا من لیلامه (در آهنگ لیلامه) (۱)

۲- کلمات اشعار - معمولاً کلماتی که درین اشعار بکار برده شده همان لغات است
 که در زندگانی روز مره مردم دهاتی و روستائی بکار برده میشود و نظر باین که
 اغلب آنها در وصف معشوق است کلمات عاشقانه نیز زیاد دارد. تشبیهاتی هم که در
 اشعار دیده میشود طبیعی و ساده است از قبیل تشبیه کردن پستان بسیب و یا قوت
 و شباعت دادن معشوقه به گل و ازین قبیل. در قسمت های ساحلی نیز تأثیر دریا
 کاملاً در اشعار نمایان است مانند استعمال کلمات دریا و کرجی و مرغ دریائی و
 در نقاط کوهستانی بکار بردن کلمات چشمه و کوه و غیره ضمناً باید متوجه بود که بعضی
 کلمات باید در اشعار تند ادا شود تا با وزن شعر و موسیقی متناسب باشد مثلاً کلمه این
 در آهنگ «نر کس غله یانی» باینکه سیلاب طویل (و تند مجموع) و دارای سه حرف
 است، باید مانند يك حرف متحرك (سیلاب کوتاه) تلفظ شود یا بهعکس بعضی کلمات
 دیگر باینکه کوتاهست باید کشیده شود تا با وزن شعر و موسیقی هم آهنگ شود
 مانند حرفت و ر در آهنگ «لیلامه» که همان معنای کلمات «تو» و «را» رامیدهد

۳- مضامین اشعار - همانطور که کلمات اشعار محلی لغات ساده مربوط بزندگانی
 عادی است مضامین اشعار نیز ارتباط کامل با وضع زندگانی مردم ده یشین روستائی
 (۱) شعر باید طوری خوانده شود که با وزن عروضی تطبیق کند بنابراین سیلاب اول در کلمه خدا
 و در کلمه بلند باید کشیده شود.

دارد و اغلب در وصف زیبایی معشوق یا توصیف اندام و حرکات و حالات او یادروصف کیفیت حرمان عاشق از فراق و دوری یار است. بعضی از اشعار نیز در وصف اوضاع طبیعی ساخته شده مانند تماشای کنار دریا و جریان سیل در رودخانه و خواندن بلبل و امثال آنها.

در پایان این دیباچه این نکته را تذکر می‌دهد که اغلب آهنگ‌های محلی شعر مخصوصی ندارد و چون اکثر آنها را با اشعاری بوزن دوبیتی خواند با دوبیتی‌های مختلف خوانده می‌شود و هر آهنگی که شعر مخصوصی دارد در ضمن توضیحاتی که جداگانه در باره ترانه‌ها داده شده ملاحظه خواهید کرد. نام این آهنگ‌ها که اغلب ارتباط بکلمه‌ای در شعر دارد برای بعضی از آنها همانطور است که در محل استعمال می‌شده و نغماتی که نام مخصوصی ندارند برای اینکه متمایز باشند و از یکدیگر تشخیص داده شوند یکی از کلمات اشعار را اسم آنها قرار داد تا از هم تمیز داده شوند. دیگر بیش از این طول کلام را جائز نمیدانند و بنوشتن اصل آهنگها می‌پردازد. چنانکه ملاحظه میکنید در هر صفحه شعر محلی و ترجمه آن بزبان فارسی معمول و همچنین ترجمه لغات غیر مانوس را نوشته است تا عدم درک مضامین اشعار خواننده را دوچار اشکال نکند و ضمناً برای اینکه بدقت بتوان اشعار اصلی را با آهنگها تطبیق کرد سیلابهای شعر چنانکه معمول است با حروف لاتین نیز در زیر نت‌ها نوشته شد تا موسیقی دانه‌ها را کاملاً راهنمایی کند. امیدوار است که زحمت کرد آورنده این آهنگها و تنظیم کننده این نغمات را که یکی از منابع موسیقی ماست اهل هنر با تذکر مطالبی که از قلم اقتاده تکمیل نمایند تا بتوان در ادامه انتشار این قبیل موضوعات که برای حفظ و نگاهداری موسیقی ملی ما کمال ضرورت را دارد موفقیت‌های بیشتری بدست آورد. تهران - مهر ماه ۱۳۲۳

روح‌الله خالقی

تذکر

چون خط موسیقی از چپ بر راست نوشته میشود در قطعاتی که برای خوانند آواز نوشته میشود معمول است که سیلابهای شعر را نیز در زیر نت‌ها بخط لا؛ مینویسند و چون خط موسیقی جنبه عمومی و بین‌المللی دارد و مطالعه این کتاب مخصوصاً از نظر مستشرقین قابل کمال دقت است چنین در نظر گرفته شد که اشعار محلی نیز در زیر نت‌ها بخطی که بیشتر جنبه عمومی داشته باشد نوشته شود و چون نوشته اشعار با خط فارسی بخوبی مقصود را نمیرساند همان خط لاتین را برای این منظور اتخاذ کرد و برای اینکه مجبور نباشیم برای بعضی حروف مانند ش دو حروف CH و برآء چ سه حرف TCH را بنویسیم سبکی را که برای نوشتن خط فارسی با حروف لاتین امدتها پیش معمول شده بترتیب زیر درین دفتر انتخاب کردیم:

f	ف	j	ج	â	آ
k	ك	ç	چ	a	آ
g	گ	h	ح-ه	e	ا-ع
l	ل	x	خ	o	ا
m	م	d	د	u	او
n	ن	z	ذ-ض-ظ	i	ئی
v	و	r	ر	b	ب
y	ی	î	ز	p	پ
ô (مانند نوم)	آو	c	ش	t	ت-ط
ع (ساکن) با ویرگول نشان داده میشود مانند: 'la	q	غ-ق	s	ش-س-ص	

این ترانه در دهات بالا جاده و کرد محله و خطیر آباد اطراف کرگان خوانده میشود. «مریم بانو» را اکنون کسی نمیشناسد و این نغمه نسبت بترانه‌های معمولی قدیمی تر و از لحاظ موسیقی در مایه سه گاه میباشد. نت «سی» که در میزان دوم بعد از «دولاحظ» بخلاف معمول سه گاه، یک ربع پرده بالا می‌رود حالت مخصوصی بآن میدهد که از سبک متداول امروز متمایز است.

$\text{♩} = 50$

1. *ki-jā ta-na ci-ya ça-dar za-dār-*
 2. *nu mar-yam-bā-nu jān' ey āy mar-yam ba-mi-*
re-ta-ne mar tā-ta-na na-vi-ne in zār

- ۱ - کیجا تر (۱) چینه (۲) چادر نداشتی (۳)
 مریم بانو جان ای
- ۲ - سمنی سواری ویشتر (۴) نداشتی - مریم بانو جان ای
 آی مریم بعیره تیه (۵) ماز (۶)
 تا تر نوییه (۷) این زار
-
- (۱) ترا (۲) چیست (۳) نداری (۴) مهتر (۵) تو (۶) مادر (۷) نبیند

آهنکی که آنرا در آغاز این دفتر نوشته ایم یکی از زیباترین ترانه‌های صفحات کرگان است و در دهات واقع در مشرق شهر کرگان مخصوصاً در رامیان و کتول خوانده میشود. چون در کتول کلمه «غله پان» را بکسی که از غله حفاظت میکند اطلاق میکنند ممکن است سازنده آهنک، این نغمه زیبارا برای معشوقه خود که نامش نرکس و شغلش محافظت غله بوده سروده باشد یا چون دهی در نزدیکی علی آباد کتول بنام «غله پان» هست ممکن است نرکس از اهل آن ده باشد. این آهنک از مایه «رهاب» شروع و سپس وارد شور میشود.

$\text{♩} = 42$

1. *in sa-ne ka-ne ca lam-pā nu-ca-na-*
 2. *me del-xā-me ra'nā-te nar-ges qa-*
le-pā-ni te nar-ges gal-le-pā-ni gal-le-pā-ni
čan-de ci-rin za-fān ci-rin za-fā-ni

- ۱ - این سر (۱) کیشه (۲) لثیا (۳) روسته
 ۲ - این کیجا (۴) کیشه کذب هسته (۵)
 ۳ - دلخواه م رعنا ت (۷) نرکس غله یانی
 ت نرکس غله یانی غله یانی
 چنده (۸) شیرین زفان (۹) شیرین زفانی
-
- (۱) سرای (۲) مال چیست (۳) چراغ (۴) دختر (۵) نگاه میکنند (۶) من (۷) تو
 (۸) چه اندازه (۹) زبان

نازله جان

آ.

این ترانه که بنا بر روایت پیرمردان کرکان بسیار قدیمی است اشعار مخصوص دارد که بوزن دوبیتی نمیباشد و اشعار معرّف رسومی است که از زمانهای سابق معمول بوده و اکنون متروک شده است از قبیل بردن عروس با کسانیکه با چوب دستی ها بزرگ او را مشایعت میکنند. آهنگ این ترانه در مایه شور و دارای دو جزء است که نخست روی درجه دوّم و بعد روی درجه اول کام شور فرود میآید.

$\text{♩} = 69$ 3fois.....

das.ta das.ta çu ma.na nam.ze jan e na na.kam.ba

kar...ma ma.na nam.ze jan e..na

نامزدجان من با چوب دست داره امیایا	۱ - دست دشته چو (۱) مته (۲) نامزدجان ائه (۳)
با چوب هائی که دستة نقره ای دارد	۲ - نقره دشته چو مته نامزدجان ائه
نامزدجان من با چشمان سرمه کشیده میاید	۳ - چشمان سرمه مته نامزدجان ائه
دیگر نخواهم گریست - نامزدجان من میاید	۴ - تکامبه (۴) بزومه (۵) مته نامزدجان ائه

(۱) چوب (۲) مال من (۳) میاید (۴) نمیکم (۵) گریه

زیبا جان

۱۳۱

این ترانه که در کرکان نوشته شده جزء آهنگهای بازاری نمیباشد و بندرت شنیده میشود. اسم مخصوصی هم ندارد و کلمه «زیبا» از اشعار آن انتخاب شده است. هیچگونه اثری جز همین آهنگ جذاب و يك بیت شعر از آن باقی نمانده و باید خیلی قدیمی باشد و بترانه های اطراف «کتول» بیشتر شباهت دارد. بهر حال از لحاظ موسیقی دارای دو جزء متمایز است که هر کدام ممکن است برای ساختن يك قطعه موسیقی سر مشق و نمونه خوبی باشد.

$\text{♩} = 120$

sad bar gof.tam kam.cin ma.kon zol.fe si.ya ra

por.cin ma.kon ey ra'na ey del.xa ey xi.ba jan

صدبار گفتم همچین (۱) مکن زلف سیا (۲) ر (۳) پرچین مکن

ای رعنا - ای دلخوا (۴) - ای زیبا جان

(۱) همچین (۲) سیاه (۳) را (۴) دلخواه

این ترانه که دارای وزنی خوشحال است دردهات مغرب کرگان معمول می باشد و اشعار آن برعکس ترانه های دیگر بوزن دوبیتی نمی باشد. میگویند «لایلا» زنی بوده است که در دهی واقع در بیست کیلومتری غرب کرگان موسوم به «آنکک» زندگی میکرده و بطوریکه خود در وصف خویش گفته، زنی زیبا و بلند قامت و رشید بوده است. اشعار و آهنگ این ترانه قدیمی است و اهالی محل هم بقدمت آن اعتراف دارند. از لحاظ موسیقی، این آهنگ در مایه سه گاه می باشد.

♩ = 80

xā-dā-man ley-lā mā ba-lān-do bā-lā mā xāc mā-xā-yek
 lā mā tā-ra xā-ter xā-mā

خدا من لایلامه (۱)	خدا من لایلا هستم
بلند و بالا مه	بلند بالا هستم
خاش (۲) مار (۳) یکتا مه	یگانه فرزند مادر هستم
تر (۴) خاطر خوا مه	خاطر خواه تو هستم

(۱) هستم (۲) خویش-خود (۳) مادر (۴) ترا

تریا

این ترانه در صفحات کرگان و مازندران خوانده میشود و قرینه ای در دست نیست که مخصوص صفحات شمال ایران باشد زیرا در نقاط دیگر ایران هم معمول است.

♩ = 58

sa-re 1 na-hat ne-ci-nam gol be-xi-zam a-gar cam-ci-ro-bā
 2 cad ec-gat ke az tas-lime an
 nad bar na-xi-zam ce bā-zam so-ra-yā bi-va-fā di-ge
 man bar go-xi-
 ne-mi-yām an nā-se di-ge ne-mi-xo-ram gos-se

سرراحت نشینم کسل بریزم
 اکر شمشیر و بار د بر نخیزم
 چه باشد جان من در راه عشقت
 که از تسلیم آن من بر گزیزم
 تریا - بی وفا - دیگه (۱) نمیام (۲) آن راسه (۳) - دیگه نمیخورم غصه

دل من روز و شب از غصه یار
 شده از دوریش خونین بیکبار
 دل یارم ز حال و روز کارم
 خبر دارد که باشد غصه ام کار
 تریا - بی وفا - دیگه نمیام آن راسه - دیگه نمیخورم غصه

(۱) دیگه (۲) نمیام (۳) راسته

ترانه ساده و قدیمی است که بیشتر در دهات اطراف کرگان خوانده میشود و مردم کهن سال نیز آنرا بهمین طریق میسرایند. اشعار ترانه بوزن دو بیتی است و اشعار اصلی آن بر کسی معلوم نیست و با دوبیتی های مختلف خوانده میشود. این آهنگ در مایه شور است.

$\text{♩} = 60$

1. de-le man tā-gate du-ri na-dār-ne ki-jā man te
2. na-mak
ba-lā-ne

ترجمه	(۱) دل من طاقت دوری نداره (۱)
دل من طاقت دوری ندارد	کیچا من ت (۲) بلاره (۳)
من بقرابت دختر	

(۲) نمک بردست من شوری نداره کیچا من ت بلاره	
(۳) من و تو آب یک رودخانه نیی (۴)	
(۴) من و تو گندم یک دانه نیی	

(۱) ندارد (۲) تو (۳) دورت بگردم - قربان بروم (۴) شدیم

زهراجان

این آهنگ که در مایه سه گاهست در دهات اطراف کرگان خوانده میشود شبیه نوحه خوانی است و شاید آهنگ آن مربوط بتغزیه باشد. اشعار این ترانه بو دوبیتی نیست و از اینرو دست نخورده میباشد. در صورتیکه تندتر از وزن معمول خود و با حرکت متوسط نواخته شود زیباتر خواهد بود.

$\text{♩} = 66$

1. man az ru-xe av-val çec-mâ-nat ba-di-ma zah-râ jân
2.
3. çe-ko-nam an-dar de-fat zah-mi da-ni-ya zah-râ jân

ترجمه

من از روز اول که چشمانت را دیدم	(۱) من از روز اول چشمانت بدیده (۱) زهراجان
عاشق رخسار نیکویت شدم	(۲) عاشق رخسار نیکویت بویته (۲) زهراجان
چکنم در دلت رحمی نیست	(۳) چکنم اندر دلت رحمی دایه (۳) زهراجان
که روز و شب از غمت ذلیل شدم	(۴) که روز و شب از غمت ذلیل بویته زهراجان

(۱) بدیدم (۲) شدم (۳) نیست

نوروزخوانی

در صفحات شمال ایران معمول است که از بیست روز به عید نوروز ما نوروزخوانی میکنند باین ترتیب کسانی که سابقه در این کار دارند دوره گردی کر اشعار را که یا خود ساخته یا دیگران در وصف نوروز سرآئیده اند میخوانند و صاحبان خانه‌ها انعام میگیرند و اینکار از زمانهای قدیم نیز متداول بوده چنانکه تهران هم درویشها جلوی خانه‌ها برای همین منظور چادر میزدند. البته چون اشعار اشخاص مختلف است و اغلب بنا باقتضای وقت ساخته میشود ارزشی از لحاظ قدم ندارد. آهنگ این ترانه نیز ساده و معمولی است و بنظر آشنا میآید. شاید در تهران شنیده شده باشد. این نغمه دارای دو عضو جمله است که قسمت اول شبیه بابوعطاست عضو دوم جمله در شور فرود میآید.

♩ = 54

ba-hâ - râ-mad ke mor-qân dar fa-qânand a-mi-re ar - sa-lâr

râ nô - ke xâ - nand

بهار آمد که مرغان در فغانند امیرارسلان را نوحه خوانند



آی زهرا زهرا

در باره این آهنگ بخوبی نمیتوان قضاوت کرد که از چه ناحیه ای برخاسته زیرا در اغلب نقاط معمول است و چون بوزن دو بیته است با اشعار مختلف خوانده میشود ولی در کرکان و اطراف آن بیشتر متداولست. آهنگ آن ساده و موقر و در مایه سه گاه میباشد.

♩ = 72

1. de-li dâ-nam de-le di-vâ ne — ye to ây zah-râ —

zah-râ

آی زهرا زهرا

« « «

« « «

« « «

(۱) دلی دارم دل دیوانه تو

(۲) قرق کردی نیایم خانه تو

(۳) قرق کردی که من مسجد بخوابم

(۴) تنم در مسجد و دل خانه تو

نواهی عروسی

این آهنگ بدون همراهی شعر با کمانچه توسط کودارها (کولی‌ها) که مطرب، مجالس عروسی هستند نواخته میشود و نام خاصی ندارد. آهنگ آن بی‌شبهت بورساق نیست. بااستثنای قسمت آخر، تمام آهنگ در مایه شور و عبارت است از يك نغمه كوچك يك ميزانی که بچند نوع مختلف بطور طبیعی پرورش یافته است. قسمت خاتمه آن درعشاق است که بشور فرود می‌آید. آهنگ آن هم جذاب و خوشحال است

$\text{♩} = 88$

دو ترانه ترکیمنی

(۱) $\text{♩} = 192$

این دو آهنگ نمونه‌ایست از نغمه‌های ترکمنهای دشت کرکان که در گنبد قابوس نوشته شده. همانطور که آداب و رسوم و وضع زندگی آنها با فارسی زبانان کرکان اختلاف دارد، آهنگ‌های محلی آنها نیز وضع مخصوصی دارد و بیشتر برای رقص است. با این دو نغمه میتوان رقصید و از نوشتن اشعار آن چون بزبان فارسی نبود صرفه نظر شد.

(۲) $\text{♩} = 80$

ترانه ایست که در صفحات مازندران و گرگان خوانده میشود و این طور بنظر میآید که از مازندران بگرگان رفته باشد. اشعار مخصوصی هم ندارد و برای خواندن يك دو بیتی باید دوبار آهنگ را تکرار کرد. یکی از دو بیتی های محلی مازندران برای خواندن آن انتخاب و نوشته شد.

♩ = 88

te ves-se ba-i-ma bi-mâ-ro xa-se ey-ro-bâ-

be jân ey-ro-bâ-be te ves-se ha-da-ma rey-hân gol

das-te ey-ro-bâ-be jân ey-ro-bâ-be

- بند اول -

ته و سه () ب ایمه (۲) بیمار و خسه (۳)

ای ربابه جان - ای ربابه

ته و سه هدامه (۴) ریحان کلدسته

ای ربابه جان - ای ربابه

- بند دوم -

آنگاه ته مار (۵) تر گهواره و سه (۶)

ای ربابه جان - ای ربابه

عقد من و تر خدا د و سه (۷)

ای ربابه جان - ای ربابه

ترجمه :

برای تو شدم بیمار و خسته

فرستادم برت گل دسته دسته

ترا تا مادرت گهواره بسته

دل ما را بهم یکباره بسته

(۱) برای (۲) شدم (۳) خسته (۴) دادم (۵) مادر (۶) می بست (۷) بسته

مشهورترین ترانه صفحات شمال ایران است. میگویند زیبیده زنی زیبا و خدا و از اهل قریه کرد محله بوده است و شاید همین زیبایی و با خدائی او را مشغول کرده و سبب ایجاد این ترانه شده باشد. این ترانه از سه مصراع بوزن دو بیتی تشک میشود که آهنگ هر سه مصراع آن یکی است و آهنگ و وزن شعری مصر چهارم تغییر میکند و در عین سادگی، جذابیّت خاصی دارد و خوانندگان محلی آن بحالتی حزین و غمناک میخوانند. ترانه هائی شبیه بآن در کردستان و گیلان معمول است که قدیمی میباشند و شاید این ترانه هم از همان قبیل باشد.

♩ = 52

sa-re ta-pe no-mâz kan-de ki-jâ jân 1. ka-mar xa dol
2. xo-dâ ra el-

lâ rast kan-de ki-jâ jân ki-jâ jân xo-bey-de pâ-co

te-mas

lâ ben-dân ma-ra xo bay-te

ترجمه :

دلبر من سر تپه نماز میگزارد

کمر خود را خم و راست میکند

خدای را التماس میکند

زیبیده بر خیز رختخواب بیانداز

مرا خواب گرفته است.

سر تپه نماز کاندِه (۱) کیجا (۲) جان

کمر ر (۳) د لا (۴) راست کاندِه کیجا جان

خدا را التماس کاندِه کیجا جان

زیبیده پاشو لا (۵) ینداز مر (۶) خو (۷) یتسه (۸)

(۱) میکند - میگزارد (۲) دختر (۳) را (۴) خم (دولا) (۵) رختخواب (۶) مر

(۷) خواب (۸) گرفته

خدا تر نیره هېچا

این آهنگ که قسمت اول آن کاملاً شبیه باهنگ « آی زهرا زهرا » و در مایه سه گاهست از ترانه های معمول و بازاری مازندران مخصوصاً ساری و بابل است و آنرا با حالت محزونی میخوانند و اشعار خاصی ندارد. قسمت اول آهنگ بادوییتهی های مختلف خوانده میشود و قسمت دوم با یک مصراع هشت سیلابی که همان نام ترانه است. چنانکه ملاحظه میشود آخر ترانه هم شعر مخصوصی دارد که معرف رسوم متداوله میباشد.

♩ = 66

de - te man mes - le dig - çe mi - na - nad yuc ki - ja
 xo - da ta ra nay - ra mi ja — del
 3. xco da du - ne de.
 lam mey - le to dar - ne ki - ja ki - ja ma ra ceç -
 mak ba - zu ce çecm ra sar - mak ba - zu —

دل من مثل دیگچه میزند جوش - کیجا (۱)	خدا تر نیره (۲)	میجا (۴)	خدا ترا ازمن نگیرد
دلبرجان حرف مردم را منده گوش - کیجا	»	»	»
دلبرجان حرف مردم باندا رینه (۵) - کیجا	»	»	»
خدا دونه (۶) داسم میل تو دارینه - کیجا	»	»	»
کیجا تر چشمک بزو (۷)	دختر بمن چشمک زد		
شه (۸) چشم ر (۹) سرتک (۱۰) بزو	چشم خود را سرمه کشید		
(۱) دختر (۲) ترا (۳) نگیرد (۴) ازمن	(۵) ندارد	(۶) میداند	(۷) بزود (۸) خودش
(۹) را (۱۰) سرمه			

کبوتر

این ترانه که از آهنگ های قدیمی و روستائی است و در مازندران و کرگان خوانده میشود و گاهی آنرا در آخر ترانه تر کس غله پانی نیز میسرایند ممکن است از نغمه های محلی کرگان باشد. مانند اغلب ترانه های صفحات شمال ایران از دشتی شروع میشود و در شور فرود میآید. نام مخصوصی هم ندارد و با دوییتهی های مختلف خوانده میشود.

♩ = 60

bo - ro dox - tar ke man bi - xa - ram az to 1. da - rin
 2. ka - bu
 2. ka - ram ke dast bar - da - ram az 2. ka - bu
 1. to ga - man kar - di ke man ya - ri na - da ram go - li
 2. tar ka - bu - tar par - pa - ri mar - ge ha - va - e ki - ja
 1. da - ram ke bu - yac beh - tar az to ka - bu
 2. jan mar - ka - me xax - me ri - ga

برو دختر که من بیزارم از تو
 کمان کردی که من باری ندارم
 در این کارم که دست بردارم از تو
 گلی دارم که بویش بهتر از تو

کبوتر آی کبوتر آی کبوتر
 کبوتر پربری مرغ هوا (۲)
 کبوتر بهتره یا مس (۱) دختر
 کیجا (۳) جان مرهم زخم ریکا (۴) ا

(۱) مست (۲) است (۳) دختر (۴) پسر بیجا

این آهنگ دلکش و زیبا که نام مخصوصی ندارد با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود. برای نمونه آنرا با یکی از دوبیتی‌های معمول نوشته و نام اول شعر را روی آهنگ گذارده است تا از دیگران متمایز باشد و چون در مازندران و کیلان هر دو خواننده میشود به تحقیق معلوم نیست از کجاست. آهنگ ترانه بسیار موقر و سنگین و در مایه افشاری است.

♩ = 40

se-fi de mar-ga-me xoc xata xoc xâl. ke.nâ
ro la-be dar-yâ bâl trp me
bâl kar-ji dâriân mara na-ke.nin dam bâl ma ra
na-tun-na bay-ra nos-ta-me xâl ma ra
na-tun-na bay-ra nos-ta-me xâl

سفیده مرغ (۱) خوش خط و خوش خال	مرغ سفیدی هستم خوش خط و خال
کنار و لب دریا بال زمه (۲) بال	در کنار دریا میزنم بال
کرچی داران مرغ (۳) نکینن (۴) دنبال (۵)	کسری داران مرا دنبال نکنید
مرتوئه (۶) بیره (۷) رستم زال (دومرتبه)	رستم زال هم مرا نمی تواند بگیرد
(۱) مرغ هستم (۲) میزنم (۳) مرا (۴) نکنید (۵) دنبال (۶) نمیتواند (۷) بگیرد	

جون جون

آهنگ این ترانه که در ردیف بهترین نغمات محلی صفحات شمال است تأثیر غربی در نگارنده دارد که هیچیک از نغمات دیگر پدای آن نمیرسد مخصوصاً سبکی که در آخر ترانه از اصفهان بشور فرود میآید بکلی تازگی دارد و تعجب است که با این زیبایی و شایستگی چرا اکنون کمتر معمول است. این آهنگ در ساری نوشته شده و چند سال قبل در مازندران بیشتر معمول بوده و اکنون متروک شده است.

♩ = 50

do tâ yâ-ni ge-ref tam dâr ja-vâ ni ye-ki
rac-ti ye-ki jun jun mâ-xân-da-râ ni
ni be gor-bâ-ne sa-re rac-ti be-ram man ke del
râ mi bân-se jun jun mâ-xân-da-râ ni

دوتا یاری گرفتم در جوانی	یکی رشتی یکی - جون جون - مازندرانی
بقربان سر رشتی برم من	که دل را میبیره - جون جون - مازندرانی

ماری

ترانه ایست نزدیک باهنگ‌های مازندرانی و میگویند «ماری» مخفف کلمهٔ مریم است. این ترانه با دوبیتی‌های مختلف خوانده میشود و شعر مخصوصی ندارد فقط جملهٔ آخر که مربوط به «ماری» است در آخر دوبیتی‌ها تکرار میشود. ترانه ایست بوزن معمول و بازاری و در سایر نقاط نیز معروف شده چنانکه در تهران نیز با اختلاف مختصری در آهنگ متداول میباشد. از لحاظ مایه مانند اغلب ترانه‌های صفحات شمال در دشتی و شور است.

♩ = 88

se-tâ-re â-se-mân mic-mâ-ram em-cal-bo-ro yâ-ram
2. ram
1. ram be-ou tab-dâ-ram em-cal-bo-ro yâ-cal mâ-ni ra
2. doc-mâ-nân bi-dâ-kan em-
mâ-ni ma-ra mi-xâd man mâ-ni ra

ستاره آسمان میشمارم امشب برو یارم بگو تب دارم امشب
برو یارم بگو امشب نیاید تمام دشمنان بیدارن^(۱) امشب
ماری ر^(۲) - ماری مر - میخواد^(۳) - من ماری ر

(۱) بیدارند (۲) را (۳) میخوامد

مریم بانو

ترانه‌های زیادی بنام «مریم بانو» در صفحات شمال خوانده میشود. آهنگ این ترانه بخلاف ترانهٔ قبلی (ص ۱۶) که در سه گاه بود دردشتی است و شاید هر دو آهنگ در وصف یک تن ساخته شده باشد. اشعار این ترانه بوزن دوبیتی است و چون در مازندران شنیده شده با اشعار مازندرانی نوشته شده است.

♩ = 96

1. ca-be cal-nam za-mi-ne nam na-vu-na mar-yam bâ-nu
2. na-xâs
nu jân ey har çe dost ba-za-ni va nâ-de-nâ
bu mar-yam bâ-nu jân ey in kâr çe kâ-re mar-yam bâ-nu
nu jân ey de-lam bi-ga-râ-re mar-yam bâ-nu jân ey

با شبنم شب زمین، گل نمیشود

بیار ناخواسته، غم دل کم نمیشود

بیار ناخواسته مانند لیموی نرسیده است

که هر چه بآن دست بزنی بو نمیدهد

۱ - شب شبنم زمین ته^(۱) نو و نه^(۲)

مریم بانو جان ای

۲ - نخواسته یار دل غم کم نوونه

مریم بانو جان ای

۳ - نخواسته یار بمثل ترسه^(۳) لیمو

مریم بانو جان ای

هر چه دست بزنی و^(۴) ند نه^(۵) بو

مریم بانو جان ای

این کار چه کاره - مریم بانو - جان ای

دلکم بیقراره - مریم بانو - جان ای

(۱) تر-خپس-گل (۲) نمیشود (۳) نرسیده (۴) او (۵) نمیدهد



آهنگ طبری یا امیری

گرچه آهنگ های محلی معمولاً از جمله های کوچک موزون تشکیل میشود ولی در مازندران آهنگی بنام امیری یا طبری مشهور است که مانند آواز های بی ضرب ایرانی از قید وزن آزاد است و بهمین جهت همه کس از عهده خواندن آن بر نمیآید مگر خوش صوت باشد و بتواند از عهده ادای غلت های آواز امیری بر آید. این آهنگ معمولاً با اشعار شاعر معروف مازندرانی **امیر پازواری** که از اهالی دهی در شش کیلومتری بابل بنام **پازوار** بوده سر آئیده میشود. اشعار امیر اغلب در وصف معشوقه او موسوم به **گهر** سروده شده و داستانی عشق امیر و گهر در مازندران ضرب المثل میباشد. چون این آهنگ بسیار زیبا و جذاب و اشعار امیر نیز لطیف و دلکش است، اهالی مازندران باین آهنگ و اشعار، علاقه مخصوص دارند و آن را بردستگاههای آوازها ترجیح میدهند.

اینک نمونه ای از این آواز معروف را با دو بند از اشعار امیر پازواری برای استفاده خوانندگان مینگاریم و ضمناً این نکته را هم متذکر میشویم که در موقع خواندن این آهنگ، نخست، آوازه خوان یک بند از اشعار امیر را بتهائی میسراید، سپس یکی از ترانه های معمول دیگر را چند نفر بشیوه تصنیف، بعد از خواننده بطور دسته جمعی میخوانند. در نت نویسی این آهنگ، قسمت اول که عبارتست از آواز امیری در صفحه ۳۹ و قسمت دوم که شامل یکی از ترانه های متداول مازندران است در صفحه ۳۸ نوشته شده است.

(۱)
ای - امیرگو ته (۱) که م (۲) کار چه زار بو - یه (۳)
م یوسه (۴) کلا (۵) شال (۶) نهار بو - یه
بشقاب پلا (۷) خوار (۸) اطاق دار بو یه
کل - چرم (۹) دار زین - سوار بو یه

امیر گفته است که کار من چگونه زار شد
که کلاه پوستی مردانه من نهار شغال شد
کسی که از ته بشقاب پلو میخورد اطاق دار شد
چارق دار سوار اسب زین دار شد

(۳)
ای - نماشون (۱۰) سرو (۱۱) ویشه (۱۲) بویه (۱۳) خاموش
مس (۱۴) بلبل صیدا بنو (۱۵) من - گوش (۱۶) گوش
نامرد فلک حلقه دینگو (۱۷) من - گوش
وین - (۱۸) بتردن (۱۹) بردن (۲۰) چار (۲۱) کس (۲۲) دوش

آمد غروب و بیشه انبوه شد خوش
هر دم نوای بلبل مستی رسد بگوش
چرخ دنی فکند یکی حلقه ام بگوش
باید که مرد و رفت بروی چهاردوش

برگردان

سر - بالا هکن (۲۳) هارش (۲۴) خدا ر (۲۵)
نبادا بشکنی عهد وفا را

سرت را بالا کن تا خدارا بینی
مبادا بشکنی عهد وفا را

(۱) گفته (۲) من (۳) شده است (۴) پوستی (۵) کلاه (۶) شغال (۷) پلو (۸) خورنده
(۹) چارق (۱۰) عصر (۱۱) وقت (۱۲) بیشه (۱۳) شد (۱۴) مست (۱۵) آمده (۱۶) من
(۱۷) انداخت (۱۸) باید (۱۹) سردن (۲۰) رفت (۲۱) چهار (۲۲) کس (۲۳) بکن (۲۴) بین
(۲۵) را [ترجمه اشعار بند دوم از آقای محمد عاصمی است که از شماره ۱۳ روزنامه زبان ملت
اقتباس شده است].

جونی جونی

این ترانه ظاهراً مازندرانی است ولی در کرکان و رشت نیز خوانده میشود و در سایر نقاط هم شنیده شده است. آهنگ ترانه بنغمات سواحل دریای خزر شباهت کامل دارد و با اشعار دربیتی خوانده میشود فقط در قسمت آخر برگردانی دارد که تکرار میشود. از لحاظ مایه در دشتی و شور است و دارای دو قسمت میباشد که اولی چهار دفعه تکرار میشود و دومی مخصوص خاتمه است.

♩ = 80

an-gu-re 1. mal bi-ma cam bā ke ci cam xurde va
2. me
va bi-ma bā to bayma cam har ke a kam juni ju
mo-ha-mad om-rac ba-vu
ni kâ-xe-ru-ni rac-ti-ye mâ-xan-dâ-râ ni man mî-râm
tan-hâ mi-mâ ni

درخت مو بودم در حال رشد کردن
کودک خردسالی بودم که با تو دوست شدم
هر کسی میان ما را بهم میزند
بحق محمد عمرش کم بشود

انگور مل (۱) بیمه (۲) شم (۳) بکشی (۴) شم
خورده (۵) و چه (۶) بیمه باتو بیمه (۷) چم (۸)
هر که آیه (۹) میون (۱۰) ر (۱۱) زند (۱۲) بر هم
بحق محمد عمرش بود (۱۳) کم

جونی جونی - کازرونی - رشتی و مازندرانی

من میرم (۱۴) تنها میمانی

(۱) مو (۲) بودم (۳) رشد (۴) کشیده شده (۵) کوچک - خرد (۶) بچه
(۷) شدم (۸) رام - دوست (۹) ما (۱۰) میان (۱۱) را (۱۲) میزند
(۱۳) شده (۱۴) مردم

ey a-mi r gu-ta ke
me kâr ce xâ
ba-vi yâ me ru-se ke
lâ câ-le na-hâ
r ba-vi ya bac-gâ b
pa-lâ xâ e-ta
qe dâ r ba-vi ya
kâ-le car-me-dâr zine sa-vâr ba-vi ya

بقیه آهنگ در صفحه مقابل است.

این آهنگ در فون معمول است و در موقع خواندن آن، اشعار بوسیله مردها و کلمات «آی امان» بطور دسته جمعی بوسیله زنان که صدای خود را با مردان هم آهنگ میکنند سرانیده میشود. این نغمه در مایه اصفهان و همایون است.

* J. = 80
 ay a-mân a-mâ-no a-mân a-mân 1. ki-lâ-li
 2. pu-tîn gâ
 ki-lâ-li nâ-mâc-pa-ri-ye a-mân
 lec ec-to pâ-kon-da-ri-ya a-mân ay a-mân
 a-mâ-no a-man a-mân

آی امان - امان و امان امان
 کیلالی (۱) - کیلالی - نامش پر ریه - امان
 پوتین گالش ایشو (۲) یا کن (۳) دریه (۴) - امان
 آی امان - امان و امان امان
 عباس کهم (۵) دمه (۶) ایشو خر ریه (۷) - امان
 گر د (۸) دنیا دمه ایشو ما ریه (۹) - امان
 آی امان - امان و امان امان

(۱) دختر (۲) تو (۳) زیر (۴) داری - پوشیده ای (۵) نام کوهی است در اطراف
 ماسوله (۶) میدوم (۷) میخرم (۸) دور (۹) برای خاطر مادرت

این ترانه ظاهراً بنظر کیلکی میآید ولی در لاهیجان شنیده شده و ممکن است مربوط به تنکابن هم باشد زیرا کلمه «لاکو» در تنکابن زیاد مصطلح است. در هر حال ترانه زیباییست که از عشاق شروع میشود و بدشتی فرود میآید و در صفحات شمال در شرف از بین رفتن است و بهمین جهت شاید قدیمی باشد و اهالی محل از تکرار آن خسته شده باشند. این آهنگ در تهران هم شنیده میشود و در عین کوچکی بسیار جذاب و شیرین است.

J. = 12
 go-li çî dam go-li her-gâ-me çî dam lâku
 ite na-na-ba-mi-ri-ya, yâ-re, ra

- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ۱ - کیلی چیدم کیلی هنگامه چیدم | لاکو (۱) ته (۲) ته (۳) بمیره (۴) |
| ۲ - یار خود را دم سر چشمه دیدم | » » » » |
| ۳ - بچشم دیدم بدل آهی کشیدم | » » » » |
| ۴ - گمان کردم مراد خود رسیدم | » » » » |

(۱) دختر (۲) تو (۳) مادر (۴) بمیرد

لیلابانو

این ترانه در فومن نوشته شده و آهنگ آن در ابتداء بیشتر با آواز شباهت دارد و بنغمات گیلکی نزدیکتر است. همانطور که زبان اهالی فومن مخلوطی از لهجه گیلکی و طالش است، این آهنگ هم با آهنگ های دیگر گیلکی و طالشی شباهت دارد. این نغمه با نصف دوبیتی تمام میشود و باید دو مرتبه تکرار شود. کلمه «لیلابانو» هم در آخر مصراع مجدداً خوانده میشود.

♩ = 66

sa-re ku.ki be-com — gan-dom be-ti-nam ley-lâ bâ-nu
 — gan-dom be-ti-nam me-bâl-ür xor-ye kor — tar-sam be-mi
 nam ley-lâ bâ-nu — tar-sam be-mi-nam

(۱)

رقم سر کوه، گندم هارا ببینم
 تیری بیازویم خورد - میترسم بمیرم

سر کوهی بشم^(۱) گندم ببینم لیلابانو گندم ببینم
 مه^(۲) بال^(۳) تیر خور^(۴) یه^(۵) کر^(۶) ترسم بمیرم
 لیلابانو ترسم بمیرم

(۴)

بشم یارور^(۶) چه^(۷) مرهم بگیرم لیلابانو مرهم بگیرم
 اگر مرهم نباشد، ترسم بمیرم

(۱) رقم (۲) من (۳) بازو (۴) خورده (۵) دختر (۶) بهلو (۷) نباشد

هی بار - هی بار

این ترانه در «رضوان ده» طالش نوشته شده و در زمرة «تازه دستان» و دارای دو قسمت میباشد که قسمت اول آن ازدستی شروع شده مانند قسمت دوم بشور فرود میآید. در طالش، بازاری است در فومنات هم خوانده میشود.

♩ = 60

1. ci-mâ dar-yâ — ke-nâr sey-lâ-bam gar-da yâ-ro-bar
 2. bol-bo-le xân — da-na man-gu-cam kar-da
 di-nâ-yo-me hey yâr hey yâr — yâ-ro-bar di-nâ-yo-me
 sa-do-si sa-vâr — yâ-ro-bar di-nâ-yo-me

میروم کنار دریا سیلاب را تماشا کنم
 یار، برای بردن من آمده است
 خواندن بلبل را گوش کنم
 یار، برای بردن من آمده است

بشما^(۱) دریا کنار سیلاب^(۲) کرده^(۳)
 یار و بر^(۴) دیر^(۵) آیمه^(۶)
 بلبل خواندن من گوش^(۷) کرده
 یار و بر^(۸) دیر آیمه
 هی^(۸) یار - هی یار - یار و بر^(۸) دیر آیمه
 صدوسی سوار - یار و بر^(۸) دیر آیمه

(۱) میروم (۲) سیلاب را (۳) تماشا کنم (۴) برده ای (۵) بردن من (۶) آمده
 (۷) کردم (۸) ای .
 کراسی

دمویر نازنین

ترانه ایست زیبا و خوش حالت در مایه شور که در طالش معروف است و پس از خواندن هر مصراع جمله «دمویر نازنین» تکرار میشود. گاهی بتنهائی و گاهی در دنبال ترانه «شوخ و شنگه» سرائیده میشود.

پاچ لیلی

این آهنگ ساده زیبا در فومن متداول است و از دو قسمت تشکیل میشود که جزء اول در دشتی است و با کلمه «جان جان» که بطور دسته جمعی خوانده میشود پایان مییابد و جزء دوم که دو مرتبه تکرار میشود و با دو کلمه «پاچ لیلی» تمام میشود بمایه شور فرود میآید و برای خواندن يك دو ییتی، باید تمام آهنگ دوبار خوانده شود.

♩. = 60

la. le - ge - may le - com man te - ne lu - dam
 jân - jân go - le so - xo se - fid ra kâ -
 te lu - aam xâ - ce ley - li

♩. = 72

si - yâ cek - re' ja - vân to qam - ze ma - ka da - mar - yâr
 nâ - ze - nin dô - rân ça - ma - yâr

(۱) لب چشماي^۱ چشم^(۲) من تشنه بودم - جان جان
 گل سرخ و سفید را^(۳) کاشته بودم - پاچ^(۴) لیلی
 (۲ مرتبه)
 (۳)
 گل سرخ و سفید را کم سیاه^(۵) به^(۶) جان جان
 نمیدانم که یارم بی وفا به - پاچ لیلی (دو مرتبه)
 (۱) چشمه (۲) راقم (۳) را (۴) کوتاه (۵) سیاه (۶) باشد

سیاه چهره جوان تو غمزه مکه (۱)
 دمویر (۲) نازنین دوران^۳ چمه^(۳) یار
 اشن^(۴) عاشقی^(۵) مه اشکار^(۶) مکه
 دمویر نازنین

(۱) مکن (۲) مگذر (۳) مال من (۴) تو (۵) عاشق هستم (۶) آشکار

شوخی و شوخی

این ترانه در رضوان ده طالش نوشته شده است. معروف است که طالشی‌ها سه نوع آهنگ دارند: قدیم دستان - طالش دستان و تازه دستان و این ترانه را از جمله طالش دستان میدانند. این نغمه با اشعاری بوزن دو بیتی خوانده میشود و نسبت با آهنگ‌های دیگر محلی فصلتر است. در قسمت آخر آن پس از تمام شدن یک دو بیتی چهار مصراع دیگر سرآئیده میشود که با وزن دو بیتی اختلاف دارد. این ترانه را میتوان یکی از زیباترین آهنگ‌های طالشی و مانند سایر نغمات کیلکی در دشتی و شور دانست.

♩ = 80

1. *ça-sar-dan â-me-rac san-gi-no sal-ma ka-ca kâr-da*
 2. *sa-rir dâ-ra-vo-dâ çan-gâ-çal-ma*

ru-ya de-ge-te yâ-çut tâ-lec bay seyyf ba-vâ-ti tork

1. *bay âl-ma cu-xo-ican-ge can-ge yâ-nam gol-ve çad-dam be*
 2. *o-xâ-ram no-ba-kâ-ram nâ-ze-ni-nam sar*

1. *be-comi ku be-çi-nim su â-ke-ram bu si-yâ rey-hun dâ*
 2. *ne dâ-ne si-yâ tel-lun si-yâ mu-lun di-*

ka-ca-re

کیلالی

میکوبند از آهنگ‌های قدیمی طالش است که بنام «قدیم دستان» معروف شده. نغمه‌ایست مختصر که شعر آن بوزن دو بیتی نیست و برای خواندن چهار مصراع باید دوم مرتبه آهنگ را تکرار کرد. این ترانه در مایه چهار گاهست.

♩ = 88

ki-la-li-lâ-li jâ-nam ki-lâ-li ju-ju-la me-jâ-nu e-lâ-ti
 2. *ki-la-pe-ga-te âf-sâ-va â-be-run be-râ mon-ga-ta-ba*

کیلالی (۱) جانم کیلالی	دختر جانم، دختر
جوجو که (۲) مجانی (۳) کیلالی	بستانهای جان من است، دختر
کیله (۴) یگه (۵) نه (۶) آفتاوه (۷)	دختر، بگیر جلوی آفتاب را که بصورتت نمابد
آبرون (۸) برا (۹) منگه (۱۰) تابه (۱۱)	در شب‌هایی که مهتاب میتابد، بیرون بیا

(۱) دختر (۲) بستانها (۳) جان من است (۴) دختر (۵) بردار (۶) تو (۷) آفتاب (۸) بیرون (۹) بیا (۱۰) مهتاب (۱۱) تابیده است.

این ترانه در اطراف رشت مخصوصاً در حسن کیاده زیاد سرانیده میشود و ظاهراً جدید بنظر میآید و با اشعاری بوزن دو بیتی خوانده میشود. مانند اغلب آهنگ های کیلان از دشتی شروع و بشور خاتمه مییابد.

♩. = 72

ko-ran-das-bây - sa-vâ-nam ru-be-nud-bâr - la-lei

ko-lâ-yây kaj - be-nam jur-hâ-mo-me kâr - la-lei

me yâ-nây kây - be-dim kaj ko-ra-je var - la-lei

jân - la-lei jân - la-lei sor-xe pir-hân la-lei

xâç-xâçe ton-bân - la-lei ma-ra va - de - be-nit

bal-dax be-jâr kâr - la-lei jân - la-lei, âx - la-lei

گردند (۱) اسبای (۲) سوارم رو برود بار - للی (۳)
 کلایای (۴) کج بنم (۵) جور بامو (۶) م (۷) کار - للی
 و بارای (۸) کای (۹) بدیم (۱۰) نیج (۱۱) گرجه (۱۲)
 و (۱۳) - للی

جان للی - جان للی - سرخ بیرهان (۱۴) - للی
 خاچ (۱۵) خاچ تبیان - للی
 قر (۱۶) وعده بته (۱۷) بعد از بچار (۱۸) کار - للی
 جان للی - آخ للی - جان

(۱) قمرز رنگ (۲) اسب را (۳) نام دختر (۴) کلاه را (۵) میگذارم (۶) آمد
 (۷) من (۸) باررا (۹) کجا (۱۰) دیده (۱۱) برنج (۱۲) نقطه ای در شمالی زار
 (۱۳) پهلو (۱۴) بیرهن (۱۵) خش خش (۱۶) مرا (۱۷) داد - گذاشت (۱۸) مزرعه

درحالی که میامد سنگین و باوقار
 سزاوار بود در او گردن بند طلائی
 در بغل او دو عدد یاقوت بود
 که طالشی ها بآن سیب میگویند و
 تر کها آنرا آلمه مینامند
 یارم شوخ و زیباست

بیا برویم بکوهستان و ساقه کلیر
 بچینیم و ریحان سیاه را
 دانه دانه بو کنیم - زلف سیاه
 خود را شانه کن

چسردن (۱) آیمش (۲) سنگین و سلمه (۳)
 سریر (۴) در (۵) و د (۶) چنگال (۷) و چلمه (۸)
 کسه (۹) کار دریه (۱۰) دیکله (۱۱) یاقوت
 طالش بی (۱۲) سیف (۱۳) بواتی (۱۴) ترک
 بی آلمه (۱۵)

شوخ و شنگه (۱۶) - شنگه یارم - کلعذارم
 نو بهارم - نازنینم - سرو قدم
 به (۱۷) يشوم (۱۸) کو (۱۹) - بچینیم سو (۲۰)
 آ کر م (۲۱) بو - سیا (۲۲) ریحون
 دانه دانه - سیا تلون (۲۳) - سیامولون (۲۴) -
 دیکه (۲۵) شانه

(۱) درحالی که (۲) میامد (۳) باوقار (۴) سزاوار (۵) در (۶) تو است (۷) گردن بند
 (۸) طلائی (۹) بغل (۱۰) در اوست (۱۱) دو عدد (۱۲) بآن (۱۳) سیب (۱۴) میگویند
 (۱۵) سیب (۱۶) فشنگ (۱۷) بیا (۱۸) برویم (۱۹) کوه (۲۰) ساق کلیر
 (۲۱) بکنیم (۲۲) سیاه (۲۳) زلف (۲۴) مو (۲۵) بکن - بزن



اداره موسیقی از آقای موسی معروفی که از موسیقی دانهای
 معروف و شریف ایران هستند و نت کلیشه های این کتاب را با خط
 زیبایی خود نوشته اند بدین وسیله اظهار مسرت و قدردانی میکند.

غلط نامه

صحیح	غلط	سطر	صفحه
نعمات	نعمات	۱۱	۳
گاهی	گاهی	۱۳	۶
ده نشین	ده یشین	آخر	۱۲
نمونه	نونه	۷	۱۹
گریزم	گریزم	۵	۲۲
صرف نظر	صرفه نظر	۵	۲۷
سرو	سو	۵	۳۸
(۴) برای	(۴) برای	حاشیه	۴۵